



نوع مقاله: علمی پژوهشی
تصدی‌کاری، علی؛ محدثی‌گیلوانی، حسن و معدنی، سعید (۱۳۹۹). سنخ‌شناسی
دین‌داری در میان جوانان شهر رشت. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷(۱۶)، ۳۷۹-
۳۴۹.

سنخ‌شناسی دین‌داری در میان جوانان شهر رشت

علی تصدی‌کاری^۱، حسن محدثی‌گیلوانی^۲ و سعید معدنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱

چکیده

پژوهش حاضر، به سنخ‌شناسی دین‌داری در میان گروهی از جوانان ۲۱ تا ۳۶ ساله ی شهر رشت می‌پردازد. رویکرد پژوهش، کیفی و با روش تحلیل روایت و با ابزار مصاحبه‌نامه از نوع روایی انجام شده است. چارچوب نظری پژوهش، تلفیقی از آرای جامعه‌شناسان دین در خصوص وضعیت دین‌داری در جهان مدرن و حجم به‌دست آمده از نمونه‌های پژوهش، ۱۶ تن بوده است. مهم‌ترین نتایج پژوهش عبارتند از: (۱) تمام مصاحبه شونده‌ها از فرهنگ دینی خانوادگی فاصله گرفته بودند و از دین‌داری خانوادگی خاستگاهی به نحو قابل توجهی دور شده‌اند؛ (۲) آنان از الگوی دین‌داری رسمی که شریعت‌مدارانه و همچنین الگوی دین‌داری حوزوی که فقه‌مدارانه است، نه تنها به نحو اساسی فاصله دارند؛ بلکه منتقد آن نیز هستند؛ (۳) الگوی مسلط دین‌داری، دین‌داری عاطفی است؛ (۴) تأثیرگذاری تجربه‌های زیسته و نظام‌های شناختی در دسترس آنان، در شکل‌گیری مسیر حرکت دین‌داری‌شان مشهود و مشخص است، که با دیدگاه نظریه‌پردازان در چارچوب نظری نیز سازگار است.

کلیدواژه‌ها: سنخ‌شناسی؛ دین‌داری؛ تغییرات؛ جوانان.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، itasaddi@gmail.com

۲- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده‌ی مسئول)،

mohaddesi2011@gmail.com

۳- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، maadani25@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

قلمرو دینی از گذشته تا به امروز، همواره چالش‌هایی را در میان پیروان ادیان (دین‌داران) از یک‌سو و از سوی دیگر، در بین غیردین‌داران با خود و همچنین در مقابل هم، نیز به‌دنبال داشته است. این‌طور که شواهد در دین‌داری جهانیان و ایرانیان نشان می‌دهد؛ دین‌داری در حال تغییرات است. از این‌رو، در ایران معاصر نیز با توجه به حاکمیت دینی، دین‌داری به نحو جدی در حال تغییر است که بررسی کیفیت، حجم، سیر و جهت این تغییرات در گروه محدود این پژوهش مورد توجه بوده است. در همین رابطه، نگاه جامعه‌شناختی در خصوص تغییر منتهی به تحول می‌گوید که در دین‌داری افراد تحول شخصیت و هویت افراد از عوامل اساسی فرایند این امر است. تحول هویتی و شخصیتی نیز با تحولات اجتماعی جاری در جامعه‌ی جدید نسبت موثقی دارد. آن‌طور که از شواهد برمی‌آید، جامعه‌ی جدید از جمله جامعه‌ی ایرانی در حال سپری کردن اشکالی از تحول است و این تحولات اجتماعی سوژه‌ی ایرانی را نیز تغییر می‌دهد. عواملی، همچون؛ فناوری و روند صنعتی شدن، دیوان‌سالاری، شهرنشینی و رشد جمعیت، گسترش ارتباطات بین همه‌ی گروه‌های انسانی، تحرک اجتماعی، چندگانه شدن جهان‌های زیست اجتماعی و دگرگون شدن در شرایط پرورش کودکان، به‌طور عملی در جریان تحول مدرن سهیم بوده‌اند. وضعیت ناشی از مدرن شدن را به رغم شکل‌های خاص آن می‌توان بنابر اصطلاحات آرنولد گهلن^۱، نهادزدایی^۲، و شخصی‌سازی [ذهنی‌سازی]^۳ توصیف نمود. اصطلاح نخست به ضعف شدن عمومی اعمال اقتدار نهادها بر فرد اشاره دارد. به‌طور کلی، ساختار نهادی عهده‌دار نقش اساسی تأمین مستمر معنا و پایداری برای فرد، سست و از هم گسیخته شده، و افزون بر آن، به‌طور روزافزونی از مقبولیت و اعتبار آن کاسته شده است. در این شرایط معیارهای بیرونی معتبر برای پیروی افراد در زیست روزمره به تدریج فاقد اعتبار می‌شوند. به‌ناگزیر فرد به خویشتن خود بازگشت می‌نماید، و به ذهنیت خود، که اکنون می‌باید معنا و پایداری ضروری برای زیستن خود را از آن کسب کند، متکی شده است. تحمل این وضع به دلیل ذات اجتماعی انسان، برای فرد بسیار نامطلوب شده است. هویت‌های پایدار (که البته، هویت‌هایی را که از نظر ذهنی موجه‌اند را نیز معنا می‌دهند)، تنها در رابطه‌ی متقابل با زمینه‌های اجتماعی باثبات (یعنی زمینه‌های ایجاد شده به وسیله‌ی نهادهای باثبات) پدید می‌آیند. از همین‌رو، در مورد هویت امروزی، با نوعی عدم

1- Arnold Gelen

2- de-institutionalization

3- subjectivization - subjectivizative

قطعیّت عمیق روبه‌رو هستیم. به سخن دقیق‌تر، در وضعیت کنونی، نوعی بحران هویت درونی مشاهده می‌گردد (برگر و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸)؛

زیرا... هویت مدرن به‌طور مشخص (مشخصاً) هویت باز است، یعنی به‌رغم آن‌که بی‌تردید ویژگی‌هایی در افراد در فرایند اجتماعی شدن اولیه کم‌وبیش تثبیت می‌شوند؛ اما با ورود در مراحل بعدی زندگی بزرگسالی همچنان به‌طور مشخص (مشخصاً) فردی «ناتمام» باقی می‌مانند... بنابراین انسان مدرن نه اینکه «مستعد تغییر» است؛ بلکه خواهان آن است... به‌علاوه هویت مدرن به‌طور مشخص تفکیک‌شده^۱ است، زیرا چندگانگی‌های جهان‌های اجتماعی در جامعه‌ی مدرن موجب می‌شود تا ساختار هر جهان خاص به شکلی با نسبت (نسبتاً) ناپایدار و نامطمئن تجربه شود... بدیهی است که حقیقت ماجرا این امر باشد که سرچشمه‌ی هویت خود برنامه‌ی زندگی شود (همان: ۸۵-۸۴). اکنون با گذشت بیش از چهار دهه از تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، جریان دین‌داری‌سازی آمرانه‌ی جامعه و به‌طور ویژه جوانان توسط نظام حاکمیت دینی درون جامعه‌ی ایرانی حسب شواهد به‌طور آشکار روند دیگری را در میان جوانان نشان می‌دهد که حکایت از تفاوت‌های اساسی با اهداف مورد توجه دستگاه حاکمیتی در خصوص دین‌داری مردم و به‌ویژه جوانان را دارد. به‌علاوه، دلیل آن‌که جامعه‌ی ایرانی دارای نظام سیاسی دینی نیز می‌باشد، و به‌طور بدیهی حیات افراد و گروه‌ها بدان پیوند خورده و ضمیمه شده است، و در این‌جا باید افزود، روند موجود در جامعه‌ی یزدان‌سالار ایرانی در ابعاد مختلف و به‌ویژه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیان‌گر وجود مشکلات عمده و عدیده‌ای است و از جمله‌ی بازتاب عینی آن‌ها وجود اعتراضاتی جدی، عمیق و گسترده توسط مردم است. در بُعد سیاسی از جنبه‌ی داخلی در چند مرحله در دهه‌ی گذشته تا به‌حال شاهد بروز عینی ناراضی‌ها بوده‌ایم. در همین بُعد از جنبه‌ی تحریم‌های^۲ بین‌المللی و بی‌مقدار شدن ارزش پاسپورت ایرانی و برخی مسائل مهم دیگر هستیم. در بُعد اجتماعی «عدم اعتماد اجتماعی» افراد، اشخاص، گروه‌ها به یکدیگر و همچنین دستگاه سیاسی متولی نظام دینی و همین‌طور «عدم پذیرش پیکربندی دینی» توسط شاید بیشتر جوانان هستیم. در بُعد فرهنگی نیز نافرمانی‌های مدنی^۳ با ایجاد و استمرار به‌طور وسیع و گسترده روابط آزاد (جنسی) پسران و دختران با یکدیگر و همین‌طور اعتراض نظری و عملی توسط بانوان و نیز دوشیزگان جوان به حجاب اجباری، حتی پوشیدن شلوارهای زاپ‌دار^۴ و یا پاره

1- differentiated

2- sanction

3- civil disobedience

4- ripped jeans

جین^۱ توسط دختران و زنان (پس از آن که پسران نوجوان و جوان از مدت‌ها پیش می‌پوشیدند) و به‌علاوه ساپورت پوشیدن‌ها و مانتوهای جلو باز بدون دگمه و آن‌چه که بدان کشف حجاب گفته می‌شود، یعنی (برداشتن روسری توسط خودشان)، بیان‌گر موضع‌گیری در مقابل پوشش حداکثری از نوع دستوری و اجباری نظام حاکمیت است. همین‌طور در بُعد اقتصادی نیز سقوط بی‌سابقه‌ی ارزش پول ملی به‌طور مکرر، تورم مهار ناشدنی، گرانی‌های سرسام‌آور و ناگهانی، بیکاری‌های گسترده و فراگیر جوانان و برخی از بزرگسالان و موارد مشابه خود به افسردگی و تنش فزاینده در جامعه‌ی فعلی انجامیده است.

این توصیفی از وضع کنونی جامعه است و هویت و زیست انسان ایرانی در چنین بستری در حال شکل‌گیری و تکوین است. در حقیقت، انسان و تعاملات او درون جامعه شکل می‌گیرد و نه در خلاء. از این‌رو، در این جا به دنبال بررسی سنخ‌شناسانه‌ی دین‌دارانه‌ی در جوانان هستیم تا دریابیم که کدام الگوی دین‌داری در میان نمونه‌ی مورد بررسی بیشتر دیده می‌شود و این الگو چه نسبتی با الگو رسمی دین‌داری دارد؟

از این رو، هدف کلی این پژوهش اکتشاف و توصیف سنخ‌شناسی (تیپولوژی) بر حسب دین‌داری/بی‌دینی به‌عنوان واقعیات اجتماعی مستند و موجود در میان گروهی از جوانان در شهر رشت است. بر این اساس، پرسشی که مطرح است این است که نمونه‌ی مورد بررسی گروهی از جوانان شهر رشت حسب تجربه‌ی زیسته‌ی متناظر با نوع اندیشه و عملکردشان شامل چه سنخ-هایی از انواع دین‌داری/بی‌دینی می‌شوند؟ قابل ذکر است که پژوهش کیفی حاضر فرضیه ندارد!

۲- پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

پژوهش با عنوان «بررسی وضعیت دین‌داری جوانان شهر سرپل‌ذهاب و برخی عوامل مرتبط با آن» با اهداف بررسی وضعیت دین‌داری شهروندان به منزله‌ی یکی از گونه‌های مهم هویتی در جامعه‌ی ایرانی، تنوع مذهبی و شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهر سرپل‌ذهاب بود، انجام شد. بررسی وضعیت دین‌داری جوانان این شهر براساس متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی، مصرف رسانه‌ها، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، هویت قومی و هویت ملی، آگاهی از الگوهای ارزشی پیروی شده به وسیله‌ی جوانان این شهر بوده است. روش پژوهش کمی و پیمایشی (توصیفی-تیبینی) و ابزار پرسش‌نامه بوده است. جامعه‌ی آماری جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله‌ی شهر سرپل‌ذهاب

و حجم نمونه ۶۳۵ تن بودند. نتایج به‌دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد؛ تغییرات ارزشی در نسل جوان به‌طور چشمگیر است و جوانان به لحاظ نوع دین‌داری، گرایش به فردی بودن دین، تفاوت جنسیتی و مواردی مشابه تأمل پذیر هستند. بنابراین نوع‌شناسی دین‌داری آنان به‌طور خاص فردگرایانه و جنسیت‌گرایانه و سایر گزینش‌گری‌ها بوده است. ... و دسته دین‌داران نیز در بُعد دین‌داری عملی کمترین میانگین دینی را داشتند... (مرادی و خان‌محمدی، ۱۳۹۹).

پژوهش با عنوان «بررسی میزان دین‌داری سرپرستان خانوار طبقه ی متوسط شهری- مورد مطالعه شهر تهران» با اهداف مورد مفاهمه قرار دادن دستورات اساسی و جامع دین اسلام و مذهب شیعه که در بین ایرانیان دین و مذهب غالب است را در حوزه‌های دین‌داری فردی و عمومی و همچنین مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی است؛ را به انجام رسانیدند. رویکرد این پژوهش کمی و از روش پیمایش با ابزار پرسش‌نامه برای انجام پژوهش استفاده گردیده شد. جامعه‌ی آماری شهر تهران و حجم نمونه نیز با روش پی‌پی‌اس^۱، ۶۱۳ تن انتخاب گردیدند. نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان از ابعاد اعتقادی [داشتن استقلال‌اندیشی] کاهش قابل ملاحظه‌ای را نسبت به اعتقاد به خدا و معاد نشان می‌دهند و همین‌طور در بُعد عبادی شخصی شدن دین و همین‌طور شاهد تغییر در ابعاد مناسکی و پیامدی نشانه‌های آشکار از عرفی‌گرایی یا دنیوی شدن را در بین پاسخگویان می‌توان مشاهده نمود. از این‌رو، در گونه‌شناسی می‌توان دین‌داران را به فردگرایان، بی‌اعتقاده‌ها، سکولارها تقسیم نمود (برهان و دیگران، ۱۳۹۷).

پژوهش با عنوان «روایت‌پژوهی تجارب زیسته ی دینی دانشجویان» با اهداف شناسایی و آسیب‌شناسی مکانیزم‌ها و عوامل جامعه‌پذیری دینی یا دین‌گریزی، مواضع و دیدگاه‌های دانشجویان نسبت به دین، تجارب زیسته ی آنان، عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تغییر رابطه ی آن‌ها با دین بود. روش این پژوهش، از نوع تلفیقی یا ترکیبی از روایت‌پژوهی (کیفی) و پدیدارشناسی تجربی، استعلایی یا روان‌شناختی [تحلیلی] (کیفی) با ابزار مصاحبه‌نامه های [روایی] عمیق داده‌ها بوده است. مشارکت‌کنندگان ۱۹ تن از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شریف بودند. نتایج به دست آمده در این پژوهش، حکایت از آن دارد که چهار نوع کلی از ارتباط افراد با دین را می‌توان تشخیص داد. این روابط در قالب دین در زیرگروه چهار عنوان کلی و اصلی (۱) منکران، (۲) لادری‌ها، (۳) معترفان، (۴) مقیده‌های کل‌گرایان صورت‌بندی شده‌اند... و در نهایت، راهبردهای مختلف افراد با عنوان‌های (کناره‌گیری و خودآیینی)، (بی‌اعتنایی و التزام‌گزینشی)، (تحکیم و تقویت)، (خودآیینی مسئولیت‌گریز)، (بازتعریف دین در چارچوب عرف) و (بازتعریف

دین در چارچوب تأمین آرامش) صورت‌بندی شده‌اند که همه به‌طور مستقیم از تجارب زیسته‌ی آنان برمی‌خیزد (نوربخش و جعفری، ۱۳۹۶).

پژوهش با عنوان «آن چه «دین فرهنگی» در مورد دنیوی یا عرفی بودن و هویت ملی می‌گوید: پیکربندی مذهبی و سیاسی غفلت شده است» با هدف تغییرات و تمایزات با عنوان «دین فرهنگی» در رابطه با عرفیت و توجه به پیکربندی مذهبی و سیاسی درون جامعه‌های آمریکایی و فرانسوی انجام شد. روش آن توصیفی است و اشاره دارد بر این امر که برخلاف خوانش‌های مرسوم عرفی بودن و منابع تحلیلی معمول آن -آیین‌های مدنی آمریکایی و فرانسوی، حیات‌گرایی مذهبی آمریکایی^۱ و عرفیت فرانسوی^۲- این مطالعه کمک خواهد کرد تا درک بهتری نسبت به یک پیکربندی مذهبی-سیاسی مداخله‌گر با عنوان «دین فرهنگی» صورت بپذیرد که به همان اندازه گسترده است و مورد کم‌توجهی واقع می‌گردد. وی اعتقاد دارد فارغ از ایمان و اعتقاد، کلیسای مسیحی معاصر کارکردهای مهم اجتماعی را حسب درک عمیق فرهنگی و تاریخی درون جمعیت‌های غربی دارد. در نهایت، نتیجه به تکثرگرایی ختم می‌گردد و دین‌داری را با توجه به فرایند عرفی شدن با تمایز بین «دین فرهنگی»، «دین مدنی»، و «دین سیاسی» می‌داند (لانیل: ۲۰۱۶: ۳).

پژوهش با عنوان «روندهای وابستگی دین‌داری و مذهبی»^۴ با هدف بررسی دین و دین‌داری در ایالات متحده آمریکا با مقایسه دوره‌ای در درون دیگر جوامع بود. پژوهش به روش تلفیقی (تاریخی اسنادی و مشاهده و تفسیر در زندگی روزمره ی امروزه «مؤلفه‌های دینی») انجام شد. پژوهش با مروری از اعتقاد غالب روند عرفی یا دنیوی شدن آغاز گردید. فرایند مطالعه عادات آمریکایی، وابستگی مذهبی و تغییرات و سپس میزان مشارکت فعالیت‌های مذهبی در طول نیم قرن اخیر مورد بررسی قرار گرفت. سپس به شناخت نسبت‌های روبه‌رشد افرادی مبادرت گردید که هیچ‌گونه ترجیح مذهبی ندارند و کسانی را ندارند که به‌غیر از ادیان یهودی و مسیحی به یک ایمان جهانی پای‌بند باشند. نتیجه نشان می‌داد که هرگونه چالش‌های ادراکی دینی/مذهبی یا علمی از دین در دنیای جدید تغییر یافته است و [افراد و گروه‌ها] متناسب با متغیرها با آن روبه‌رو خواهند شد (کریستیانو: ۲۰۱۵: ۵). همان‌طور که مشهود است؛ نتایج پژوهش‌های داخلی و

-
- 1- American religious vitalism
 - 2- French secularism (La laïcité française)
 - 3- Laniel
 - 4- Trends in Religiosity and Religious Affiliation
 - 5- Christiano

خارجی حاضر هم به‌وجود تنوعی از دین‌داری و هویت‌های دینی در میان نمونه‌های مورد بررسی را بازگو می‌نمایند که -گویا- جهان دین‌داران دیگر همچنان جهان به‌ظاهر یکپارچه‌ای نیست.

۲-۲- مبانی نظری

پیتر برگر و همکاران معتقدند که نظم وحدت بخش به‌طور معمول همان نظم دینی است. به بیان ساده نظم دینی را می‌توان چنین تشریح نمود که فرد یا گروه در کنار خانواده و یا حین انجام کار، خواه درگیر در فرایندهای عمومی یا هنگام شرکت در جشن‌ها و مراسم رسمی، پیوسته در «همان جهان» بود (برگر و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۳). چنان‌که یواخیم واخ^۱ می‌گوید در ذات همه‌ی ادیان/مذاهب است که شخص ایمان‌آورنده (دین‌دار) را [براساس قواعد همان دین/مذهب] وادار نمایند تا مطابق با خواسته‌های الهیات یا طبیعت جهان، همان‌گونه که بر فرد یا گروه دین‌دار مکشوف شده عمل نماید... بدین ترتیب انگیزه‌ی مذهبی هم‌نوع‌جویی و پیوند [با خودی و فاصله با غیر خودی] را شکل می‌بخشند (واخ: ۱۹۴۷، ۹۳-۳۸۴)

اکنون آن‌چه مشهود است از این قرار است که قلمرو دینی در جهان جدید درگیر انواع تغییرات منتهی به تحولات است. این تحولات در تمامی سطوح امر دینی، اعم از سطوح خرد و یا سطوح میانه و کلان در حال وقوع است. نهاد دین در ایران معاصر نیز به‌اشکال گوناگون در حال تحول است. از این رو، یکی از موضوعات مورد علاقه‌ی جامعه‌شناسان دین در جهان جدید رصد کردن تحولات قلمرو دینی در سطوح مختلف است. تحولات دین‌داری افراد در سطح خرد قرار می‌گیرد. برای بررسی تحولات این سطح به انجام انواع پژوهش‌ها نیاز داریم و به‌رغم آن‌که جامعه‌شناسان این حوزه پژوهش‌های بسیار خوبی در پاره‌ای از موارد انجام داده‌اند؛ اما در مجموع در آغاز راه قرار داریم. در عین حال با مقایسه‌ی پژوهش‌های داخلی و خارجی در متن بالا؛ اکنون بسیار روشن است که چندگانگی‌ها جهان‌های زیست اجتماعی، عناصر و عواملی را در خود پدید آورده‌اند و سپس پروراندند که به تغییرات و تحولات اساسی جوامع منجر شده‌اند. در جامعه‌ی مدرن امروزی، نظم دینی دیروزی در مواجهه با امید به زندگی، سطح کیفیت زندگی، رضایت از بهزیستی زندگی، میزان شادی، رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی، توسعه‌های فناورانه‌ی (الکامپ)، انتخاب آزاد، اهداف فردگرایانه، رشد دانش انسانی در زمینه‌های مختلف و ...، تحت شعاع قرار گرفته است. امروزه زندگی مدرن به‌طور معمول در حد بسیار شدیدی و به‌گونه‌ی جدیدی تقسیم‌بندی شده است. فهمیدن این نکته مهم است که این بخش‌بندی (هرچند ترجیح می‌دهیم آن را چندگانه‌شدن بنامیم) تنها در سطح اجتماعی ملموس و نمایان نیست؛ بلکه تظاهرات عمده‌ای

1- Joachim Ernst Adolphe Felix Wach, "Joachim Wach"

نیز در سطح آگاهی دارد. وجه اساسی این چندگانه شدن^۱ بروز و ظهور دوگانگی^۲ در عرصه‌های عمومی و خصوصی [با فقدان اقلان و پذیرش و یا بی تفاوتی همراه می‌گردد و چنین] است (برگر و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۳). ... مردم [به مفهوم و معنای خاص و در عین حال درست] دیگر دین را نمی‌شناسند، اگرچه حتی از ظواهر دین استفاده نمایند. در سال ۲۰۰۶ میلادی در یک نظرسنجی در کشور فرانسه از شرکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شده تا به روشنی به این پرسش که «آیا یک مسیحی کاتولیک هستی؟» پاسخ دهند. ۵۵ درصد از آنان معتقد بودند که فقط در یک خانواده‌ی کاتولیک به دنیا آمده‌اند و ۲۱ درصد^۳ نیز مدعی بودند که به مذهب کاتولیکی ایمان قلبی دارند و ۲۶ درصد نیز خود را کاتولیک می‌دانستند و در وجود خداوند تردید نداشتند... (روا، ۱۳۹۷: ۲۱۲-۲۱۳). دین/مذهب اکنون اگرچه هویت افراد و گروه‌ها را بازتاب می‌دهد؛ اما به‌طور عمومی و غالب بیانی با زادگی است، مانند؛ مسلمان‌زاده: (سُنی‌زاده و شیعی‌زاده)، مسیحی‌زاده و...؛ از همین‌رو، هویت به‌طور مشخص (مشخصاً) باز، تفکیک‌شده، فردیت یافته است و وجود مفهوم اساسی یک برنامه‌ی زندگی^۴ را به‌طور مبهم می‌توان برای افراد [گروه‌ها] و هم برای واحد خانواده تعریف کرد (برگر و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۰). در چنین وضعیتی سوگم‌کردگی و بی‌خانمانی ذهن^۵ در حوزه‌های فردی و خصوصی، اثرات خود را در حوزه‌های اجتماعی و جامعه‌ای نمایان می‌سازد. در نتیجه به موازات رشد تدریجی چندگانگی‌ها، فرد [و گروه] به ناگزیر با دیگرانی مربوط می‌شود که به باورهای او اعتقادی ندارند و معانی، ارزش‌ها و اعتقادات متفاوت و گاهی اوقات متضادی بر زندگی‌شان حاکم‌اند. در نهایت، جدا از سایر عوامل مؤثر در همین راستا [و از جمله وجود حکومت‌های یزدان‌سالار با اختصاصات و ویژگی‌های‌شان] چندگانگی نیز تأثیری دین‌زداینده^۶ دارد. یعنی چندگانه شدن تسلط دین بر جامعه و فرد را سست می‌نماید (همان: ۸۷). تمایز فردی نیز ممکن است به‌صورت «مجموعه‌ی بسته‌بندی شده»^۷ درآید. از این‌رو، امروزه در حال و هوای به اصطلاح ضد فرهنگ^۸ در جوامع اروپایی و آمریکای شمالی، با میلیون‌ها نفر که خود را «ناهمسازگرا»^۹ می‌خوانند روبه‌رو هستیم، به‌رغم آن‌که همانند بقیه زبان همسان، لباس مشابه و

1- pluralization

2- dichotomy

۳- «درصدها» به نقل از متن ترجمه شده.

4- life plan

5- homeless mind

6- secularizing

7- packed set

8- counterculture

9- nonconformist

نشانه‌های زیبایی‌شناسی یکسانی را به نمایش می‌گذارند؛ اما مدعی شیوه‌ی اصالتی به‌طور کامل فردی را بیان می‌دارند (همان: ۸۲). جهان مدرن برای ادیان و مذاهب «بحران اقتدار» پدید آورده است. دیگر همانند گذشته نیست که آبای ادیان و مذاهب با حفظ و تفسیر متون مقدس و... خود به آموزش مردم عوام بپردازند و خود را قیّم مردم بدانند. امروزه همه چیز با آموزش‌ها و همچنین در رسانه‌ها و اینترنت به‌سهولت در دسترس همگان قرار می‌گیرد و روحانیان ادیان نمی‌توانند به‌طور انحصاری بر همه چیز نفوذ داشته باشند (ترنر، ۲۰۰۵: ۱۰۲-۸۹).

از آن‌جایی که ادیان و مذاهب مختلف ادیان و مذاهب نه تنها ادعاهایی در باره‌ی خدا، بهشت، جهنم و قلمرو روحانی دارند؛ بلکه ادعاهایی در مورد انسان‌ها، تاریخ، حکومت، جامعه، اکنون و این‌جا نیز عرضه می‌نمایند. در حقیقت، واقعیت این است که ادیان حرف‌های‌شان و موضوعات‌شان را هرگز به امور آن‌جهانی محدود نمی‌کنند؛ بلکه ادیان همیشه در باره‌ی این‌جهان، این‌زمین، [در همین لحظه،] این واقعیت نیز اظهار نظر می‌کنند... (زاکرمن، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۵).

حال می‌توان پرسید که آیا هنوز ادعاهای دینی در باره‌ی عالم و آدم و شیوه‌ی زندگی‌ای که دین ارائه می‌دهد، در نزد مردم همچنان واجد اعتبار هست یا نه. آیا هنوز افراد زندگی خود را بر مبنای چنین ادعاهایی معنا می‌بخشند و بنا می‌کنند یا نه. برگر و همکارانش می‌گویند؛ اکنون نقش دین در جوامع مدرن تغییر کرده است، به‌گونه‌ای محسوس و ملموس روشن‌گر حقایقی می‌تواند باشد. آنان معتقدند که در جوامع پیشامدرن، دین سایبان مقدس فراگیری را شکل داد که چشم‌انداز فراگیری را برای کل جامعه ایجاد کرد. [دیگر] این سایبان محافظ، مشروعیت، معنا، و نظم را برای ایجاد آسیب‌پذیری فراهم نمی‌کند که جامعه آن را واقعیت می‌خواند. همان‌طور که جامعه تمایز می‌یابد، چندین نهاد جامعه‌ای از دین جدا می‌شوند. در چنین وضعیتی دین آن چیزی را از دست می‌دهد که برگر آن را «ساختار مقبولیت»^۱ می‌نامد (فورشت و رپستاد، ۱۳۹۴: ۱۹۲). در همین صورت است که دین‌داری افراد نیز در جهان امروزی دستخوش تغییر می‌شود. این همان وضعیتی است که هروپولزه آن را مدرنیته‌ی دینی می‌نامد. «مدرنیته‌ی دینی» مورد نظر وی، به معنای مدرنیته‌ای دیگر و متفاوت نیست؛ بلکه وی از این مفهوم مدرن شدن دین و دین‌داری را مراد می‌کند (هروپولزه، ۱۳۸۰: ۲۸۷). او از «انتقال و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی-دینی» در جامعه‌ی جدید سخن می‌گوید و بر این نکته تأکید دارد که جامعه‌پذیری دینی در جامعه‌ی مدرن به امری پیچیده و دشوار بدل شده است. روشن است که بحث از

جامعه‌پذیری دینی بحث در باره‌ی این مسئله است که «چگونه افراد دین‌دار می‌شوند» (فینی، ۱۳۸۰: ۲۵۳).

هروپولزه در توضیح مدرنیته‌ی دینی، از مفهوم مدرنیته‌ی روان‌شناختی بهره می‌گیرد؛ «مدرنیته‌ی روان‌شناختی بدین معناست که شخص باید خودش در مقام یک فرد بیندیشد و ورای هرگونه هویت موروثی، که منبع اقتدار خارجی آن را تجویز کرده است، تلاش کند هویت شخصی بیابد» (هروپولزه، ۱۳۸۰: ۲۹۱). او جامعه‌پذیری دینی در جامعه‌ی سنتی را با جامعه‌پذیری دینی در جامعه‌ی مدرن مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در جامعه‌ی مدرن به دلیل «تفکیک نهادی» و «قلمروهای متفاوت فعالیت اجتماعی» افراد «تجربه‌های زیسته» گوناگونی دارند و «خود را در قواعد پیچیده» این قلمروهای متفاوت فعالیت اجتماعی می‌بینند. از نظر او، مدرنیته بدین ترتیب «به شکلی کاملاً آرمانی-نمونه‌وار، با توانایی‌ای که به سوژه‌ی فردی می‌دهد تا او جهان هنجارها و ارزش‌هایش را به شیوه‌ای مستقل بپرورد، خود را مشخص می‌کند» (همان: ۲۹۳). بدین ترتیب، می‌توان گفت که «امروزه پافشاری بر هم‌نوایی اجباری با حقایق دینی (به ویژه برای جوانان) در مقایسه با اصالت شخصی سوژه‌ی معتقد، که در جست‌وجوی حقیقت خویش است، کم ارزش شده است» (همان: ۲۹۳). نتیجه این‌که، انتظار می‌رود ما با جوانانی در ایران معاصر روبه‌رو باشیم که هر یک مسیر دین‌داری خاصی را مطابق با تجربه‌های زیسته‌شان و نظام‌های اندیشیدن خود که در دسترس‌شان است طی کرده باشند و ما با اشکال متفاوتی از روایت‌های دین‌داری فردی مواجه باشیم.

۳- روش تحقیق

نسبیت، سیالیت و تکثر موجود در کردوکارها و باورداشت‌ها و به‌طور کلی در سوژه‌ها و اَبژه‌های^۲ افراد و گروه‌های درون جامعه‌ی کنونی موضوعی جدی و قابل تعمق و تأمل بوده و به حقیقتی غیرقابل انکار تبدیل گردیده است که این امر خود باعث به‌کارگیری از راهبردهای پژوهشی منعطف‌تری در تحقیقات اجتماعی طلب می‌نماید. تحقیق کیفی ارتباط خاصی با مطالعه‌ی روابط اجتماعی دارد؛ زیرا وام‌دار این واقعیت است که زیست‌جهان‌ها متکثر شده‌اند... این متکثر شدن حساسیت جدیدی نسبت به مطالعه‌ی تجربی مسایل ایجاد می‌کند... (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳). رویکرد این پژوهش کیفی^۳ و روش پژوهش تحلیل روایت^۴ است. ...متن‌های [روایتی فراوان‌ترین شکل

-
- 1- subjectivity
 - 2- objectivity
 - 3- qualitative approach
 - 4- narrative analysis

نمایش داده‌ای کیفی است. این نوع از مطالعه یک مطالعه ی طبیعت‌گرایانه^۱ است... (کرسول، ۱۳۹۴: ۳۰۹)، پی‌رنگ‌ها نظریه‌ای [کلان] در باب علیّت را منتقل می‌کنند؛ این‌که چه کسی یا چه چیزی سبب وقوع یک رویداد شده است و چه رویدادهایی ارتباط درونی با هم دارند... (بُژه ۱۳۸۸، ۷۵).

۳-۱- تعاریف مفاهیم (مفهومی)

سنخ‌شناسی: همان نوع‌شناسی یا گونه‌شناسی (تیپولوژی^۲) تعاریف چند بُعدی، سخت و پیچیده دارد، اما شاید یکی از کوتاه‌ترین و قابل فهم‌ترین آن‌ها این است که ژرژ گورویچ^۳ ارائه داده است و آن اشاره دارد به انواع اجتماعی، صورت‌های با نسبت همگن، که از لحاظ احساس و رفتار مشابه و یک‌دست به‌نظر می‌رسند و این شباهت هم در ساخت اجتماعی و هم در پدیده‌های وابسته بدان درست است (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). سنخ‌شناسی به زبان ساده طبقه‌بندی فارغ از تحصیلات تمامی دانشگاه‌های برحسب رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی، یا مردان یا زنان ازدواج کرده یا نیز مجرد.

دین‌داری: دین‌داری با پذیرش باورهای دینی از یک دین/مذهب توسط فرد/افراد یا گروه‌ها همراه است. کیفیتی خاص، یعنی تقدس را به حقایق مورد توجه خود نسبت می‌دهد. دین‌داری به وجوه تحقق یافته با فراروند تاریخی از نوع التزامی پیروان یا رهروان یک دین/مذهب گفته می‌شود (کوون، ۲۰۰۳: ۲۲۷)^۴.

تغییرات: تغییر یا تحول اجتماعی^۵ [فارغ از ارزش‌گذاری‌های یک‌سویه^۱، تعاریف بسیاری در ابعاد مختلف برای تغییر یا تحول ارائه شده است؛ اما این تعریف که تغییر را به‌طور انحصاری اخلاقی و روشنفکرانه برمی‌شمرد و تغییر در معانی و ارزش‌هایی که در جامعه و یا گروه‌های مهم جامعه وجود دارد، محسوب می‌نماید در خور توجه است (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۲۷). تغییر یا تحول شامل هر آن‌چه که خارج یا متفاوت از هنجار نهادی شده یا متصور بر نهادی شدن آن هنجار خوانده می‌شود، روی دهد که برای مفاهمه آن با طبقه‌بندی متفاوت از دیگران در دامنه‌های متمایز از یکدیگر مواجه شویم، تغییر یا تحول است. از جمله دین‌داری هنجار نهادی در

1- naturalistic
2- typology
3- Georges Gurvitch
4- Kwon
5- social Change

جامعه‌ی ایرانی است؛ اما اگر با انواع دین‌ستیزی و دین‌گریزی مقصود آتئیسم^۱ است که پذیرش وجود و نیز پرستش هرگونه موجودی با نام خدا^۲ را در هر شکل مردود می‌داند (شارمه، ۱۳۸۵: ۲۵)، و یا دیگر انواع و اشکال متفاوت مواجه شویم، تغییر مشاهده شده است.

جوانان: طبقه‌بندی کردن به دوره‌های مختلف سنی وضعیت‌ی مانند؛ نوجوان، جوان، ...، سالمند اشاره‌ی مستقیم و مشخصی به گروه‌های سنی است. اگرچه تعریف آن را دشوار دانسته‌اند، ... اما به‌طور خلاصه، جوانی دوره‌ای اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌رود، دوره‌ای که جوان شرایط لازم برای کُنش مستقل در تمامی زمینه‌ها و صحنه‌های زندگی را می‌یابد... (شفرز، ۱۳۸۳: ۴-۲۳). در این پژوهش افراد در گروه سنی ۲۱ تا ۳۶ سال در نظر گرفته شده است.

۳-۲- جامعه‌ی آماری، حجم نمونه، و ابزار پژوهش

در پژوهش اصلی، جامعه‌ی آماری متولدین حوزه‌های پنج‌گانه‌ی شهر رشت انتخاب شدند که در زمان مصاحبه نیز ساکن همان مناطق پنج‌گانه درون شهری بودند. نوع انتخاب حسب روش پژوهش انتخاب تعمدی با حضور و گردش پژوهشگر در سطح شهر (خیابان‌های اصلی، بازار، معابر و مکان‌های تفریحی و فرهنگی) و بدون آشنایی قبلی با افراد با مراجعه به آنان بود، که پژوهشگر در مدت زمان دو ماه از صبح حدود ساعت ۹ یا ۱۰ صبح تا حدود نیمه‌شب ۱۱ تا ۱۱/۳۰ و در کل یکسره با ۳ مرحله استراحت هر کدام یکساعته به تعدادی از جوانان در گروه‌های سنی مختلف و از جمله ۲۱ سال تا ۳۶ ساله در حدود بیش از ۲۵۰ تن از هر دو جنسیت (خانم و آقا) مراجعه نمود و با آنان راجع به موضوع پژوهش صحبت نمود. هنگامی که متوجه می‌گردیدند که موضوع پژوهش به دین/مذهب مرتبط می‌شود، بسیاری از آنان بلافاصله به دلایلی نامعلوم (بدون توضیح) خداحافظی کرده و یا حتی خداحافظی نکرده، اقدام به فاصله گرفتن از پژوهشگر می‌کردند. برخی نیز در رده‌ی سنی معین شده‌ی پژوهش فعلی با پایین‌تر و یا بالاتر و یا مهاجر و یا اهل شهر و روستاهای استان گیلان بودند، که از آنان عذرخواهی شد. از میان تعداد ۲۵۰ نفر، فقط حدود ۲۲ نفر با تردید در پذیرفتن مصاحبه بودند؛ اما سرانجام ۱۶ نفر از آنان به‌طور جدی قانع به انجام مصاحبه شدند، حجم نمونه پژوهش را همین ۱۶ نفر تشکیل دادند. حدود یک‌سوم مشارکت-کنندگان در خصوص اینجانب نیز پیش از انجام مصاحبه با جستجوی اینترنتی و بررسی مشخصات اینستاگرامی به چک کردن (پژوهشگر) اقدام نمودند که بیشترشان خانم بودند. ابزار

1- Atheism

2- God

پژوهش مصاحبه‌ی روایی بود که گفت‌ووشنودها با اطلاع و اجازه‌ی آنان ضبط شد و سپس گفتار شفاهی به نوشتار تبدیل گردید.

۳-۳- تاریخ، زمان، تکنیک و کیفیت انجام پژوهش

پژوهش حاضر، از اوایل خرداد ماه آغاز و اواخر تیر ماه در فصل تابستان سال ۱۳۹۹ خورشیدی پایان یافت. میانگین زمانی هر مصاحبه حدود ۱۲۵ دقیقه بوده که کمترین آن ۶۵ دقیقه و بیشترین آن حدود ۱۸۰ دقیقه به طول انجامید. بیشترین زمان طولانی شده ۳ ساعته‌ها به آقایان مربوط بوده است. در ضمن به‌طور کلی افراد پس از شروع و هنگام مصاحبه مشتاق و علاقمند شده بودند و به‌طور نسبی هیچ‌گونه بی‌حوصلگی از مشارکت‌کنندگان مشاهده نشد، افراد با آرامش نسبی تا پایان مصاحبه با فکر کردن و اعتقاد به عمل و کارشان (که خواهش پژوهشگر) بود، پاسخ‌ها را سنجیده دادند. برای فهم راست‌گویی آنان پرسش‌ها به‌گونه‌ای چینش شده بودند تا صداقت گفتاری و اعتقاد کرداری‌شان سنجیده شود، ضمن آن‌که حالات صورت، چشمان و دست‌ها مورد توجه پژوهشگر نیز بود.

۳-۴- چگونگی اجرای سنخ‌شناسی در روش پژوهش تحلیل روایت

اکنون در جهان مدرن کنونی سنخ‌ها و همین‌طور سنخ‌شناسی‌ها خود انواع و اقسام مختلف و گوناگونی دارند، و در همین رابطه اندیشمندان جامعه‌شناس به‌طور عمده سنخ‌شناسی‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند. در این پژوهش از سنخ‌شناسی دین‌داری از نوع بومی استفاده گردید که حسن محدثی‌گیلوانی آن را ابداع نموده است. محدثی به‌طور کلی دین‌داری را در دو ساحت قرار می‌دهد که عبارتند از؛ ساحت درونی؛ شامل انواع «اعتقادی»، «عاطفی»، «عرفانی-معنوی» و ساحت بیرونی؛ شامل انواع «مناسکی»، «شریعت‌مدارانه»، و «اخلاقی فردی»، و «اخلاقی اجتماعی» تقسیم می‌نماید... که هر یک از آنان برآیند جزئیاتی می‌شوند. ساحت درونی خود برآیند «اندیشه‌ها»، «حالات»، و «درگیری‌ها»، و «رویدادهای درونی» هستند. همچنین ساحت بیرونی خود برآیند کردوکارهای با قابلیت مشاهده به‌ظاهر دینی به صورت اجرای مناسک، و شریعت‌مدارانگی بوده؛ و کردوکارهای به‌ظاهر با قابلیت مشاهده به‌ظاهر غیردینی هستند که با اشکال اخلاقی فردی، و اخلاقی اجتماعی نمایان می‌شوند. همین‌طور دین‌داری‌ها در قالب‌های گفته شده حتی نیز می‌توانند به «دین‌داری‌های ترکیبی» مبدل و با یکدیگر مرتبط گردند (محدثی‌گیلوانی، ۱۳۹۹).

جدول ۱: انواع دین‌داری در دو سطح کلی (محدثی گیلوآئی، ۱۳۹۹)

انواع دین‌داری				
دین‌داری‌های ترکیبی	اعتقادی	اندیشه‌ها، حالات، و درگیری‌ها و رویدادهای درونی	درونی	ساحت‌های دین‌داری
	عاطفی			
	عرفانی - معنوی	اَعمال بیرونی در ظاهر دینی	بیرونی	
	مناسکی			
	شریعت‌مدارانه			
	اخلاقی فردی	اَعمال بیرونی در ظاهر غیردینی		
اخلاقی اجتماعی				

جدول ۲: سنخ‌شناسی دین‌داری (محدثی گیلوآئی، ۱۳۹۹)

موضوع‌گیری	نوع تنش	خصیلت‌های	مظاهر	نوع	مکان‌های	چهره‌های	منابع و متون	شاخص‌ها
در قبال دیگر اشکال دینی	دینی تجربه- شونده	شخصی بارز و نوع کُنش در قبال دیگری	کُنش دینی و اجتماعی	کُنش دینی	دینی	دینی مورد توجه و اعتنا	دینی	انواع دین‌داری
بیشتر کنجکاوی شناختی دارد	گاهی در حد پرسش و درگیری فکری آغازین و مختصر	به‌طور معمول ساکت و خاموش	ندارد	ندارد	احترام معمول طبق عرف رایج به مکان- ها	اهمیت ویژه‌ای ندارد	متن ویژه‌ای ندارد	دین‌داری اعتقادی
واکنش منفی به تعصبات / نسبتاً باز	تنش در اثر بی‌توجهی به دیگران یا بد کردن به دیگران	آسان‌گیری در زندگی و انعطاف در قبال دیگران	زیارت مکان‌های مقدس	کُنش عاطفی	هر نوع مکان مقدس	شخصیت‌های دینی- معنوی تقدس‌آمیز	دعاها و اشعار و سرودهای دینی	دین‌داری عاطفی
باز و پذیرا	تنش ناشی از غفلت و یأس (تنش وجودی)	آرامش و فروتنی / مدارا با دیگران	اشکالی از خلوت‌گزینی	کُنش معنوی	بی‌مکان و همه‌مکان	عارفان و افراد معنوی	متون عرفانی و معنوی، حکایات معنوی	دین‌داری عرفانی- معنوی

دین‌داری مناسکی	دعاها، اشعار مذهبی، داستان‌های دینی	مدآحان، روضه‌خوان‌ها، آخوندها (به- ویژه رده‌ی پایین)	مسجد، حسینیه، مصلی، هیأت مذهبی، مقبره‌ی امامان، امام- زاده‌ها و بزرگان دینی...	گُنش سنتی و مناسکی	شرکت در مناسک، تعصبات اعتقادی	خودمداری و تعصبات گروهی نسبی	گناه (با درکی اسطوره- اندیشانه)، تنش برآمده از رقابت دینی و گروهی...، تنش ناشی از عدم شرکت در مناسک	اعمال فشار هنجارین نسبی / نیمه‌باز و نیمه بسته
دین‌داری شریعت‌مدارانه	رساله‌ی عملیه، سایر متون دینی حوزوی مورد ارجاع حوزویان و...	مراجع، فقه‌ها و آخوندها سطوح بالا و پایین	مسجد، حسینیه، مصلی، هیأت مذهبی، مقبره‌ی امامان، امام- زاده‌ها و بزرگان دینی...	گُنش تکلیف- گرایانه	رعایت شرعیات، اعمال عبادی و شرعی، تعصبات اعتقادی	ناآرامی و تشویش، انضباط و قاعده‌مندی و ظاهرگرایی / عدم انعطاف نسبت به سویه مقابل...	گناه (با درکی شرعی)، ملاحظه‌ی اعمال گناه‌آمیز و به اصطلاح انحرافی	اعمال فشار شریعت- مدارانه / بسته
دین‌داری اخلاقی-فردی	قرآن و متون دینی عالمانه و متون اخلاقی معطوف به پارسایی	الگوهای اخلاقی و فکری دینی و غیردینی و حکایات و زندگی آنان	فراتر از مکان مشخص معطوف به ارزش	گُنش عقلانی معطوف به ارزش	پایبندی فردی به اصول اخلاقی	تعهد و حساسیت در قبال دیگری مرتبط منفرد و عدم تعهد در قبال جامعه و امور اجتماعی	تنش اخلاقی در خود و با خود	انتقادی / نسبتاً باز در خصوص مسائل فردی اما بی‌اعتنا در خصوص امور اجتماعی
دین‌داری اخلاقی- اجتماعی	قرآن و دیگر متون عالمانه روشنفکرانه	الگوهای اخلاقی دینی و غیر دینی...	فراتر از مکان مشخص معطوف به ارزش	گُنش عقلانی معطوف به ارزش	پایبندی به اصول اخلاقی و تعهد اجتماعی	خودآگاهی و اجتماع‌آگاهی / انتقاد معرفتی و اجتماعی	تنش اخلاقی با خود و جامعه	انتقادی / باز

در جدول شماره ی ۲، از آن‌جایی که به‌طور بدیهی در همه ی سنخ‌ها پاسخگوی مشارکت-
کننده وجود نداشت، تمامی انواع دین‌داری مندرج در جدول بالا مورد استفاده قرار نگرفت.

۴- یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که مشهود است جدول زیرین، توصیفی بوده و اشاره به سطح سواد، درآمد فرد مشارکت‌کننده و یا خانواده او، شغل و... مواردی این‌چنین دارد.

جدول ۳: موارد توصیفی جوانان مشارکت‌کننده

شماره	نام	سن	وضعیت زناشویی	میزان تحصیلات	شغل پاسخگو	درآمد پاسخگو	شغل		درآمد خانواده	وضعیت اسکان	خودرو
							پدر	مادر			
۱	ناهید	۲۱	مجرد	دیپلم علوم انسانی	فروشنده	۰/۴۰۰	آزاد	خانه‌دار	-	مستأجر	ندارند
۲	زهرا	۳۱	طلاق گرفته	لیسانس حسابداری	آرایشگر	۳/۲۰۰	بازنشسته	خانه‌دار	-	مالک	ندارند
۳	کورش	۲۱	مجرد	فوق‌دیپلم رایانه	دانشجو	-	استاد دانشگاه	استاد دانشگاه	۱۰/۰۰	مالک	دارند
۴	جواد	۳۵	مجرد	مهندس عمران	آزاد	۶/۰۰	مغازه‌دار	خانه‌دار	-	مالک	دارد
۵	حسن	۲۴	ازدواج سفید	فوق‌دیپلم گرافیک	نوازنده	۳/۰۰	بازنشسته	خانه‌دار	-	مالک	دارند
۶	نازنین	۲۶	ازدواج سفید	لیسانس ژنتیک	موزیسین	۲/۵۰۰	آزاد	خانه‌دار	-	مالک	ندارند
۷	حسین	۲۱	مجرد	لیسانس اتاق عمل	بورس	۱۰/۰۰	بازنشسته	بازنشسته	-	مالک	دارند
۸	احمد	۳۳	مجرد	پنجم ابتدایی	بیکار	۰/۲۰۰	بازنشسته	خانه‌دار	-	مالک	ندارند
۹	صدیقه	۲۹	مجرد	لیسانس روان‌شناسی	بیکار	-	کارمند	خانه‌دار	۲/۵۰۰	مالک	ندارند
۱۰	امیر	۲۴	مجرد	لیسانس روان‌شناسی	بیکار	-	مرحوم	خانه‌دار	۱/۵۰۰	مالک	ندارند
۱۱	سیامک	۲۳	مجرد	لیسانس گرافیک	طراح	۱/۲۰۰	مدیر کارگاه	پرستار	-	مستأجر	دارند
۱۲	محمد	۲۳	مجرد	لیسانس گرافیک	طراح	۰/۵۰۰	کارمند	خانه‌دار	-	مالک	دارند
۱۳	سمیرا	۲۹	مجرد	فوق‌دیپلم امور بانکی	مستمری- بگیر	۱/۱۰۰	مرحوم	خانه‌دار	-	مالک	ندارند
۱۴	الهام	۲۲	مجرد	لیسانس شیمی	دانشجو	-	بازنشسته	بازنشسته	۷/۰۰	مالک	ندارند
۱۵	سمانه	۳۲	متاهل	مهندسی پزشکی	بیکار	-	بازخرید	خانه‌دار	۸/۰۰	مالک	دارند
۱۶	نیلوفر	۳۲	متاهل	لیسانس تربیت‌بدنی	مربی	۴/۰۰	بازنشسته	بازنشسته	-	مستأجر	دارند

پی‌رنگ‌های نوع دین‌داری برگرفته از مصاحبه‌های روایی شانزده تن مصاحبه‌شونده به ترتیب

شماره‌های جدول توصیفی که در ادامه آمده است:

(۱) ناهید: خانواده اونچور مذهبی ندارم. دوران ابتدایی، از درس و به‌علاوه رفتار خشک مدیر، ناظم و معلمان چادری مدرسه و با نمازهای اجباری در نمازخونه مدرسه، درون مدرسه با دین آشنا شدم. من تا به حال در هیچ مراسم جمعی مٹ نماز جماعت، دعای توسل و بقیه با میل خودم شرکت نکردم، البته تا حالا زیارتگاه‌های مهمم نرفتم دوس ندارم برم تووی اون جمعیت، آرامشم بهم می‌ریزه؛ من فهمیدم. همه چیا رو به شدت

و اجبار تأکید می‌کنم، مثلاً: پوشوندن مو از مردها؛ اول که که بچه بودم هیچ...، ...خدا رو قبول دارم. به‌نظرم پیامبرها و امام‌ها اومدن و آدمای درستی هم بودن. اما من مثلاً به‌عنوان مسلمون هیچی از دین اسلام و مذهب شیعی نمی‌دونم، فقط می‌دونم هر کاری بکنم می‌رم جهنم، فقط نماز بخونم سروقت و از نامحرم موها و بدنم بیپوشونم، می‌رم بهشت. به‌نظرم اینا اصل ماجرا نیست...، بالاخره کلی باورهای غلط رو تووی ذهن ما کردن که روی رفتارمون تأثیر داره، چون خدا هم برای ما آدمای معمولی ترسناک معرفی شده. من دین رو قبول ندارم. خدای من درون قلب خودمه...، نمی‌دونم امام زمونی هست و می‌آد، اما این حس ظهورش خوشاینده برام... حتی یه وقتی (وجود مشکل) می‌شه که پیش بیاد مثلاً یه نمازی مٹ مغرب و عشا میخوونم نیایش و دعا هم میکنم. اما موسیقی بی‌کلام رو گوش میدم...، انسانیت و آزار نرسوندن به دیگران رو باید جدی گرفت... من در سن کمتر اقدام به خودکشی هم کردم...

(۲) زهرا: خانواده اونجور مذهبی ندارم. دوران مدرسه و بعد ۱۴ تا ۱۵ سالگی یه احساسی خوبی به دین داشتم. اما بعد دیدم دین اسلام با روزه‌داری (با ضرر گشنگی و تشنگی)، تعدد زوجات برای مردها، سنگسار، قطع دست دزد و یه جور وحشی‌گریه، حتی در قرون وسطا، مسیحیت با شکنجه‌هاش به مردم همین‌طور؛ نمی‌دونم شاید این قوانین درسته، اما من نمی‌تونم بپذیرم. به‌نظرم اگه انسانیت تووی هر دینی نباشه، اون دین مشکل داره و به‌نظرم همه ادیان مشکل دارن. من مراسم جمعی مٹ نماز جماعتای مدرسه به اجبار، و البته بعداً از روی میل در همون سنین ۱۴ تا ۱۸ سالگی و همچنین دعای توسل، جوشن-کبیر و بقیه با میل خودم شرکت کردم، همچنین به زیارت قم، مشهد، مکه (با همسر سابقم در دوران متأهلی) و خیلی زیارتگاهای رفتم. الانم تووی خونهی مادر بزرگم در عاهای توسل و جوش کبیر شرکت میکنم و حس خوبی به‌هم دست می‌ده، و علّتشم اینه که همه با یه انرژی میان و انرژی تقسیم شده و توزیع میشه، از نظر من دینی نیست، فقط انرژی...، من خدای خاص خودم رو قبول دارم. من می‌گم آخه کی می‌تونه خدایی رو که به‌خاطر چند تار مو شما رو می‌بره جهنم و مارها آویزون موهاش بشن و خدایی رو که... دوست داشته باشه؟ اما پیامبرها و جانشینانشونو، اماما و خلفا رو نمی‌شناسمشون و فقط ازشون به‌ما گفتن و ذهنمون پُر کردن، نمی‌دونم کی هستن. من چیز درست و حسابی‌ای از دین اسلام مذهب خودم نمیدونم...، نمی‌دونم امام زمونی هست و می‌آد واقعاً، اما حس اومدنش خوشاینده برام...، خدا به آدم می‌گه برای دادن حاجتت باید تو هم تلاش بکنی، به انسانیت و معیارهای اخلاقی هم باید به‌طور جدی پای‌بند بود تا سنگ‌بنای جامعه از هم نیپاشه...

(۳) کوروش: از ۵ سالگی توسط پدر و مادرم و سپس ۶ تا ۷ سالگی با موضوع مرگ پدر بزرگم که خیلی دوست داشتم آشنا شدم و بعدش شروع به فهم دین کردم که ۱۴ سالگی شک کردم که خدا وجود داره، و به نتیجه هم نرسیدم. من یه ندانم‌گرا هستم. اعمال و احکام دین اجبار بود و نمی‌تونستم این همه اجبار رو بپذیرم. این افکار و مسائلی دیگر با هم ترکیب شدند و به‌گونه‌ایی شد که اقدام به خودکشی کردم و... در نهایت در یه دوره کمتر از یک‌ماه در یک مرکز روانی خصوص در تهران بستری و تحت نظر قرار گرفتم... دین و پیامبری و جانشینی به امپراطوری هست. دین و پیامبر و جانشینان نیاز روحی و روانی بشره تا دنبال ناجی باشن... به‌هیچ‌وجه خدا و ادیان رو قبول ندارم. خدا رو کی به‌وجود آورده؟ اگه تازه هم خدایی باشه، نمی‌تونه به شکل تصور عامه یعنی نور باشه؛ می‌تونه به شکل ذرات باشه و در نهایت ختم به این‌جا میشه که بگم خدا منم و همه‌ی انسان‌ها خدان. وجودگرا هستم، و فکر می‌کنم روان‌شناسی می‌تونه به مردم و جامعه خدمت بکنه. به‌نظرم چیزی برای پرستش وجود نداره و این کار بی‌معنی هست. در حقیقت چون انسان به‌هنگار وجود نداره باید انسانیت رو ترویج کرد و در جامعه معیارهای اخلاقی رو به‌وجود آورد تا بشه در جامعه زندگی کرد... من ظهور منجی رو نمی‌تونم قبول کنم... من هیچ حسی و نیازی به آرامش ماورایی در خودم احساس نمی‌کنم... آرامش من نوای موسیقی هست و حتی همون‌جا بستری هم بودم با نواختن موسیقی خودم موجب شدم تا بقیه هم حال و احوال بهتری پیدا کنند. آرامش و انرژی از شاد شدن و شادی دادن و به‌ویژه نوای موسیقی و موزیک می‌تونه بیاد...

(۴) جواد: درون خانواده با داشتن مادری به‌شدت مذهبی با دین و مذهب آشنا شدم. یه بار خواب آقای بهجت و یه بارم خواب آقای خمینی رو دیدم و صبحش موضوع خواب دیدنم رو به مادرم گفتم خوشحال شد... خدای ماورایی‌ای که قابل پرستش باشه وجود نداره، خدا درون هر کسی هست و خود شخص باید پیداش کنه. دین در جامعه ضروریه و باید باشه. یه مدت نماز می‌خوندم و روزه هم می‌گرفتم. نتیجه بدو خوب تووی همین دنیاست... از نظر من حجاب و عفاف درست برای خانوما چادر هست نه مانتو... من خدای خودم رو قبول دارم. به‌نظرم پیامبرها و حضرت محمد و امام‌ها کاریزماتیک بودن و آدمای خوب، بحث وحی رو قبول ندارم، اما خودم رو دین‌دار و از نوع مسلمون و شیعه ۱۲ امامی می‌دونم و با این‌که قرآن رو نخوندم قبولش دارم و تعصبی مٹ بهبودی‌ها برای اسلام دارم. مسیحیا هم با این‌که زندگی‌شون خوبه و درسته، از استعمار دیگر جوامع سرپا هستن و قبولشونم ندارم و از دید اونا من یه خارجی‌م، به‌نظرم روح زرتشت در اسلام شیعی دمیده شده. اعتقادی به قیامت ندارم. زیارت نمی‌رم، اما دیگران رو تشویق می‌کنم که به زیارت برن. به امام حسین به‌خاطر آزادیخواه بودنش احترام و علاقه دارم، اما

تاسوعا و عاشورا رو شرکت نمی‌کنم؛ سنی هم حق‌هایی داره اما شیعی محق‌تر هست... من در زندگیم هدف‌گذاری کردم و برنامه دارم، دنیا هم فانی هست. وقتی برنامه و هدف دارم و فانی بودن دنیا رو هم می‌دونم، آرامش دارم. البته قبلاً به مدتی افسرده شدم و به خودکشی فکر کردم اما شهامت اونو نداشتم...

(۵) حسن: هیچوقت خدا رو درک نکردم، خانواده به‌عنوان تماشایی در مراسم تاسوعا و عاشورا شرکت می‌کردند و من ۴ تا ۵ سالگی به‌هاله‌ای از اون مراسم تووی ذهنم هست و بعدشم خودم به مراسم علاقمند شدم، برای یه بچه جالبه. بعدها دیدم که یه هارمونی که کاروانوال عزاست و موسیقی ریتمیک داره؛ که بعدها نظرم بهش عوض شد. اما تووی مدرسه با دین آشنا شدم. در دوره بچگی با خانواده مشهد و قم هم یه بار رفتیم و البته چندباریم امامزاده‌ها. به دین‌مون فکر کردم و اجرای احکام رو در کشور دیدم و می‌تونم بگم که دین تووی کشورمون با تناقضاتش کلاً زندگی رو از ما گرفت و نظرم بهش منفی و اثرش رو مخرب می‌دونم. حرف زدن در باره دین یه موضوع بیخودیه، به‌جاش میشه از محیط زیست حرف زد و... حتی با فامیلا حرف می‌زنی و نظرتو میگی، بهت می‌گن کافر... من معتقدم آدم با داشتن صداقت، اذیت‌آزار نرسوندن به دیگران و علاقه به کاری که دوستش داره و انجامش بده، آرامش پیدا می‌کنه... به‌نظرم خدا انرژی از درون خودم و از تفکرمه، خدای ماورایی وجود نداره. هیچ دینی رو قبول ندارم. تمام ادیان و حتی از زمان بت‌پرستا که نذورات طلا و پول می‌بردن می‌دادن تا بقیه، همشون برای سوءاستفادس توسط قدرتمندان. دین‌ها و مذهب‌ها همه تناقضات اساسی دارن و از جمله اسلام و شیعه... پیامبرها و امام‌های عده آدم بودن و نمی‌دونم کیا بودن و چی کارا کردن، مث الان حکومت ما که یه عده صدسال دیگه ازش حرف بزنین... مذهبیا سربازن، از عقل‌شون به‌درستی استفاده نمی‌کنن و فقط دستوراتی رو که می‌دونن یا شنیدن رو انجام می‌دن. من نمی‌تونم قبول کنم پیامبری وجود داشته که از خدا دستور می‌گرفته بنابراین واضح بگم وحی و ظهور امام زمون رو اصن اعتقادی ندارم... در تشویش‌هام با طرح مطلب در تنهایی با خودم و در یا در جای خلوت و تنها و یا در جای شلوغ با زدن ساز و انرژی درونم جوابمو میده، لحظاتی که درون خودم دارم نجوا می‌کنم... یه مدتییم به روانپزشک مراجعه کردم و دارو مصرف کردم. یه‌وقتایی فکر می‌کنم مرگ همه چیو حل می‌کنه، چند باری هم به خودکشی فکر کردم، اما شهامتشو نداشتم، و در عین حال یه‌وقتایی هم از مرگ می‌ترسم...

(۶) نازنین: درون خانواده آخوندهای مهم و بسیار مذهبی متولد شدم و پیش از دبستان بلد بودم قرآن و زیارت عاشورا رو بخونم. شش سالگی پدرم تذکره‌الاولیای عطار رو برام

شرح داد. بعد مسلمون و عارف شدم و در یه دوره نماز می‌خوندم و روزه می‌گرفتم و با خدا مأنوس بودم و درددل می‌کردم و بعد حس کردم هیچ احساسی به خدا ندارم، چون چیزی دریافت نمی‌کنم و حس حماقت بهم دست داد که با کی دارم حرف می‌زنم و اصن چرا دارم می‌گم و بعدشم هم خودمونو با دنیای غرب مسیحی مقایسه کردم. اونوقت تناقضات منو به فکر برد. الانم یه ندانم‌گرا هستم. انسانیت بالاترین اولویت منه؛ به‌نظرم ان الحق واژه درستیه؛ خدا انرژی درون خودمه و درونیه نه بیرونی، خدای ماورایی وجود نداره. پیامبرها و جانشینانشو آدمای سیاستمدار، باهوش، زرنگ و دانا دوره خودشون می‌دونم که تونستن دین و مذهب رو به‌وجود بیارن، من وحی، پیامبری، امامت، بهشت و جهنم رو اصن قبول ندارم و موضوع ظهور امام (جانشینش) یه توهم می‌دونم که یکی بیاد و در جهان عدالت رو برقرار کنه. همه دین‌ها یجور سیاست‌بازین برای کسب قدرت...، به مذهبیا می‌گم سرباز، از عقل‌شون به‌درستی استفاده نمی‌کنن و فقط دستوراتی رو که می‌دونن یا شنیدن رو انجام می‌دن. به گفته دین اسلام زن‌مرد انسانن، اما دیه زن نصف مرد هست و این یعنی چی...

(۷) حسین: بدو تولد تووی گوش ما اذان می‌گن و ما نمی‌دونیم چه اتفاقی داره میفته. توی نذری دادن ایام عاشورا من با دین آشنا شدم. حس نذری دادن من برای امواتمون بود نه امام حسین. به مشهد و قم و امامزاده‌ها قبلاً با خانواده رفتم، بازم با خانواده پیش بیاد می‌رم و نه برای زیارت. من به انسانیت اعتقاد دارم، دل کسیو نشکونم، کسی کمک می‌خواد اگه می‌تونم کمکش کنم و برای امواتم نذری بدم. من تا به‌حال حتی تووی مدرسه هم هیچیک از اعمال مذهبی رو انجام ندادم، مگه در شرایطی...، من خدای دین، مذهب، بهشت، جهنم و اینجور امور رو قبول ندارم. البته به‌نظرم اوایل دین اسلام و مذهب خوب بود و سخنان حضرت علی هم اینه نشون می‌ده، اما کسی به سخنان حضرت علی گوش نمی‌ده و اصن الان اسلام و شیعه یه چیز دیگس که خیلیا قبولش ندارن، حتی اگه به‌ظاهر نماز و روزهاشونو انجام بدن البته اسلام با وحی از سوی خدا اومده بود رو قبول ندارم و پیامبر و اماما آدمای خوبی بودن برای هدایت جامعه خودشون. حالا من چی قبول دارم: وجود سیاره ایکس براساس اعلام ناسا و همین‌طور برش دقیق لیزری اهرام ثلاثه مصر مستدل، معقول و منطقیه که شاید ما توسط کسایی فرازمینی نه متافیزیکی یا ماورایی خلق شدیم و برده باشیم و یا داریم تولید انرژی براشون می‌کنیم...، ظهورم موضوع فرازمینی هست. به‌هر حال آمریکا مرکز مهمشه...، من آرامشم از درون خودمون می‌آد نه به‌طور متافیزیکی. انرژی رو از وجود خونواده می‌گیرم...

(۸) احمد: از خردسالی با نماز خووندن مادرم آشنا شدم و تا ۱۴ تا ۱۵ سالگی نمازهام همه رو می‌خوندم، اما تا به حال روزه نگرفتم. یه برادر داشتم که بیمار بود و نتونستیم درمونش کنیم بردیمش امام رضا و اونجا بستیمش به حرم که البته امام رضا شفاش نداد در حالی که ارمنی و دیگرگون رو با چشمای خودم و خونواده‌م دیدیم شفا داد و اون برادرم از دنیا رفت و من ۱۴ تا ۱۸ سالگی شاهد درد کشیدنش بودم، اعتقادات من به دین سست شد و از امام رضا بدم اومده و ازش کینه به دل دارم. البته امامزاده و بقعه‌ها رفتیم و اگه الانم برم هیچ حسی ندارم، و بعد اون تاریخ با این‌که یکی از برادرم متأهله و ساکن مشهد، من مشهد نرفتم و نمی‌رم. یه زمانی فکر کردم مسیحی بشم و بعد منصرف شدم... من خدا رو قبول دارم و حس پاک بودن به من می‌ده چون ما از روح خداییم. پیغمبرا و اماما رو نمی‌شناسم، گفتن که آدمای خوبی بودن منم بجز امام رضا فکر می‌کنم که آدمای خوبی بودن، البته اینا همه تلقین دیگه؛ ، اما من دین و این حرفا قبول ندارم و فقط [شاید] به خاطر تأکیدهای و رضایت مادرم می‌گم دین رو قبول دارم. تا به حال در مراسم نماز جماعت، دعای توسل و بقیه شرکت نکردم. راجع به برزخ، جن‌وپری، بهشت- و جهنم، شیطان و اینا خیلی تحقیق کردم، وجود دارن. انسانیت به معنای این‌که اذیت- و آزار به کسی نرسونی اگه ستمگر باشی، زندگی و زندگی دیگرگون بیخودی حروم میشه، ظلم خوب نیست... من قرآن و دوست دارم نمی‌دونم زمینیه یا آسمانی، من وحی و ظهور امام زونم نمی‌دونم وجود دارن و یا نه... البته من هیچ در زندگی احساس شادی و آرامشی نداشتم. یه بار فکر کردم خودمو بکشم، اما شهامتشو نداشتم و منصرف شدم... (۹) صدیقه: در کودکی از مادرم و بعد در مدرسه از معلم‌ها با دین آشنا شدم... به زیارتگاه‌ها و امامزاده‌ها رفتیم و می‌رییم و در تاسوعا و عاشورا هم شرکت می‌کنم... خدا، نزول وحی، قرآن، دین اسلام و مذهب شیعه ۱۲ امامی، ظهور منجی، برزخ، بهشت و جهنم رو قبول دارم. اما با ایمانی راسخ به دستورات دین و مذهب عمل نمی‌کنم. نمازهای صبح رو نمی‌خونم اما بقیه رو می‌خونم و بعد دعایا مٹ کمیل، توسل و... رو به عربی و فارسی می‌خونم در تنهایی، در جماعت عبادت کردن برام راحت نیست. من خودم که حجاب رو دوس دارم و رعایت می‌کنم... در عین حال اطلاعات خوب، درست و محکمی از تاریخ اسلام، دین و مذهب ندارم من با رازونیزی که با خدای خودم می‌کنم بهم آرامش می‌ده و خواسته‌هام وقتی اجابت می‌شه، آرامش دارم. این‌که به کسی آسیبی نرسونم آرامش دارم...

(۱۰) امیر: از ۵ سالگی که نماز خووندن پدرم رو می‌دیدم و بعد مدرسه و کتاب هدیه‌های آسمانی دوره‌ی ابتدایی خیلی منو مشغول کرد... کم کم ذهنم متوجه خیلی چیزها مٹ دین، مذهب، مرگ، میوه ممنوعه آدم و حوا و... شد. در دوره‌ی راهنمایی شروع به خووندن

معنی قرآن، بررسی مسیحیت، یهود و چند تا دین دیگه داشتیم...، با مطالعه آیین تائو تونستم خشمم رو به کنترل در بیارم...، ادیان اسلام، مسیحی، یهودی جعلی و تحریف شده‌اند. تائو نفهمی آدم رو بهش گوشزد می‌کنه. آدم باید انسانیت داشته باشه و به کسان دیگه، حیوانات و محیط زیست آسیب نرسونه...، من ندانم‌گرایی رو راجع به وجود خدا می‌پذیرم و انرژی خودم و دیگران رو در قالب کارما و کاریزما قبول دارم، انرژی من خدومه و تناسخ رو قبول دارم و بعدشم در خصوص وجود و عدم وجود خدا؛ تائو با خدا کاری نداره. کارما رو براساس آموزه‌های تائویی قبول دارم. در عین حال یه نیرویی در عالم برای ایجاد و حفظ نظم وجود داره، اما چی هست نمی‌دونم و در ضمن این‌که اونو و ملحقاتش به شکل خدا، برزخ، بهشت، جهنم، شیطان، وحی، فرشته و مواردی این چنینی رو قبول ندارم...، ظهور منجی هم یه توهم برای یک‌سری آدمای نیازمند...، من حاضرم اگه حق و حقوق کسی در خطر باشه و منم مطلع و مطمئن باشم، دخالت کنم و برخورد اجتماعی کنم در جامعه مدنی و نه مدل امرونهی...، من به‌هیچ نیروی ماورایی وابسته نیستم، برای هر موضوع مهمی سناریوهایی رو در نظر می‌گیرم و به پاسخ فکری محتمل‌ترینشون به‌طور واقعی به‌پیش می‌رم و رفتن به استخر و شنا منو آرومم می‌کنه...

(۱۱) سیامک: از ۶ تا ۷ سالگی با پدرم میرفتیم هیأت و از ماه محرم شروع شد و همه چی تلقین به‌ما که بچه بودیم صورت می‌گرفت. مدرسه و فضای مجازی تأثیرات مهم و عمده‌ای بر روی من گذاشت. قرآن رو مطالعه می‌کنم و همین‌طور جامعه رو می‌بینم خیلی زده و گریزون می‌شم از اسلام. جریان پیامبر، خلافت و امامت بیشتر شبیه پادشاهی هست. قبلاً پدرم، یه خواهرم و من نماز می‌خوندیم، اما از سوی من بعدها کم‌رنگ و الان بی‌رنگ شده...، آدم باید انسانیت داشته باشه و به دیگرون اذیت‌آزایی ترسونه. بچگی با خانواده یه‌بار مشهد، آستانه اشرفیه و امامزاده‌ها رفتیم، الان اونام نمی‌رن و اگه بخوان برن من نمی‌رم، و اگه هم برم به‌عنوان توریست می‌رم. بچگی مراسم تاسوعا و عاشورا، نماز جماعت مسجد و بقیه برام حس سرگرمی داشت و اصن یه جنبه قوی‌ای در خصوص دینی نبود...، من صددرصد به‌وجود خدا ایمان دارم. اما دین اسلام رو بعضی چیزاشو قبول دارم و بعضی چیزاشو خیر. با دستورات اسلام ما حتی فیلم هم نباید تماشا کنیم و یا اینستاگرام داشته باشیم و این ممکن نیست. زندگی من غیر دینی هست. در حقیقت باید به کسی آسیب نرسوند و آزار نداد. می‌گن اسلام کامل‌ترین دینه و شیعه حق مطلقه؛ من اینو قبول ندارم. اما دین اسلام و مذهب شیعی رو صددرصد رد نمی‌کنم و در عین حال حرفایی که دین می‌زنه، به‌نظرم وقت تلف‌کردنه، اما اما آدمای خوبی بودن اما سیاستمدار، می‌خواستن پادشاهی کنن و جنگ‌شون جنگ قدرت بوده. به برزخ، دوزخ، بهشت، شیطان رو اعتقادی ندارم. من به وحی، ظهور منجی و در نهایت پایان

جهان (چیزی شبیه قیامت) اعتقاد ندارم و تناسخ رو می‌پذیرم... من انرژی و آرامش خودم رو اول از خونواده بعد از خدای خودم در خلوت می‌گیرم...

(۱۲) محمد: از دوران بچگی با نماز خوندن پدر و مادرم و بعدشم مدرسه با دین اسلام و مذهب شیعی آشنا شدم... از کلاس پنجم تا پیش‌دانشگاهی قرآن و همین‌طور نمازهای روزانه رو (البته صبح رو قضا) می‌خوندم، که فشار خونواده هم تووش دخیل بود. در مراسم تاسوعا و عاشورا هم شرکت کردیم. زیارتگاه‌ها مشهد، قم و امامزاده‌ها هم با خانواده رفتیم، الانم پیش بیاد همراه و کنار خانواده می‌رم چون فقط با خانواده خودم باشم تا از وجود هم لذت ببریم... کتاب‌های دینی و از جمله قرآن همش تهدیده... من خدا رو ۵۰-۵۰ قبول دارم و با این حساب ندانم‌گرایی می‌شه. دین اسلام رو هم ۵۰-۵۰ قبول دارم و به حقیقت وجود و گفتار پیامبر و اماما نرسیدم، و به‌نظرم (اگر) دین اسلام هر چی که بود از اولش اون‌الآن اجرا نمی‌شه و فعلاً فکر می‌کنم وحی وجود داشته. در عین حال من خودم رو بی‌خدا و بی‌دین می‌تونم توصیف می‌کنم. بهشت و جهنم همین‌جاست... چیزایی که هم که از دین می‌گن ظاهرسازی. ظهور منجی رو نمی‌تونم قبول کنم... .. الانه همه چی درست نشده تا مشکل اساسی موهای خانوم‌ها و دخترها باشه... خونواده، پول، سلامتی و البته تنهایی و تووی خودم بودنم عامل کسب آرامش و انرژی و همین‌طور رفع اضطرابم هست... من وقتی کشور خودم رو با بقیه مَث اسپانیا یا انگلیس مقایسه می‌کنم منتظر مرگم، به خودکشیم فکر کردم، اما جرأت نکردم...

(۱۳) سمیرا: از بچگی توسط پدر تعصبی و به‌شدت پایبند و تندروی خودم با مسائل دین اسلام و مذهب شیعه در خانواده و سپس در مدرسه و مرحله بعد در دبیرستان با دین آشنا شدم. نمازها و دعابای مَث کمیل رو می‌خوندم، درکی ازشون نداشتم. من به حرفای پدرم توجه می‌کردم در این خصوص، اما چون در اون فکرواندیشه نبود مَث یه ربای گوش می‌دادم و عمل می‌کردم. حتی جشن تکلیف مدرسه هم به‌من حسی منتقل نکرد. من از نماز خوندن و عبادت اصن آرامش نمی‌گرفتم. زیارتگاه‌هایی که رفتم با احترام رفتم اما هیچ اعتقادی بهشون نداشتم و ندارم... من خدا رو قبول دارم و عشق کودکانه‌ای نسبت به اون تا الانه دارم و درد دل درونی هم می‌کنم. به‌وجود خدا شک هم دارم. من دین اسلام و مذهب شیعه رو قبول ندارم، چون دین فقط به‌صورت القانات به‌ما چه در منزل و چه در مراکز آموزشی و چه در رسانه و جامعه به همه ما تحمیل شده. اطلاعاتی هم از ادیان و مذاهب ندارم. براساس عقل و علم امور اطرافم رو رد می‌کنم و یا می‌پذیرم... زندگی پس از مرگ رو قبول دارم، اما روز قیامت رو نه، همین دنیا نتیجه اعمال مونو می‌بینیم، البته مطمئنم نیستیم... .. اعتقادی به نزول وحی و ظهور منجی

ندارم... من از کتاب‌ها و به‌ویژه کتاب روان‌شناسی به‌من احساس آرامش و امنیت می‌دهد. من حس این‌که در پناه خدا هستم رو ندارم و تصورم اینه که رها شدم. بارها تصمیم به خودکشی گرفتم، اما جرأتشو نداشتم و بارها خواستم از منزل فرار بکنم و... تا دوران پرنجی رو که من و خواهرانم به‌خاطر دختر بودن و حتی مادرم به‌خاطر زن بودن از جبرواجبارهای تعصب تندروانه پدرمون داشتیم، از اون رها بشم. و در کل خودم رو بیمار روحی و روانی می‌دونم و البته تحت درمانم...، انسانیت، مهربانی، قضاوت نکردن دیگرون، آگاهی دادن و گرفتن به شیوه و شکل درست، تأسیس جایی برای کمک معیشتی به فقرا برام اهمیت زیادی داره...

(۱۴) الهام: از کودکی توسط پدرم که مذهبی بود و بعد از ۱۶ تا ۱۷ سالگی به‌طور جدی بهش فکر کردم. به مسائل دین هیچ حس خاصی نداشتم. داشتن مرجع تقلید برای یه آدم دارای عقل خیلی برام تعجب‌آورده. مراسم مذهبی، دینی، زیارت، تاسوعا و عاشورا رو شرکت کردم؛ حدود ۴ سال هم نماز می‌خوندم ولو که همه رو جمع کنم و شبها بخونم، بعد حس کردم که هیچی، خوندن نماز بی‌فایده و اینا ضرورتی ندارن. تصور می‌کنم اونایی که ادعای دین‌داری دارن بیشتر خطا می‌کنن و معتقدن که خدا می‌بخششون و این موضوع تعجب داره...، خدا رو قبول دارم و هر شب باهاش حرف می‌زنم. پیامبرا و پیامبر اسلام و اماما و خلفای اهل سنت آدمای درستی بودن و فقط مال همون دوره بودن و الانه برای ما در عصری که در علوم و همین علم ژنتیک هست، کاربردی ندارن. به‌نظرم قرآن تحریف شد، به ظهور منجی به‌شدت مشکوکم، مگه در قرآن نمی‌گه که برای هر قومی پیامبری فرستادیم منم می‌گم محمد پیامبره اما عرب هست و پیامبر ایرانیا نیست، پیامبر ایرانیا زرتشت هست. از نظر من دین‌ومذهب یعنی آدم درستی بودن هست که مهمه و به دیگرون آسیب نرسونی. به جهان پس از مرگ اعتقاد دارم...، نیاز به حس آرامش ماورایی در خودم احساس نمی‌کنم. آرامش و انرژی از شاد شدن و شادی دادن و به‌ویژه نوای موسیقی و موزیک می‌تونه بیاد...

(۱۵) سمانه: از بچگی به‌واسطه ی خونواده‌م که مذهبی بودن، با خدا، دین اسلام و مذهب شیعی آشنا شدم و خو گرفتم. همیشه احساس آرامش و خوب داشتم. کلاس دوم یواشکی نماز می‌خوندم و دعا می‌کردم البته معنی ریا رو هم نمی‌دونستم. آثارشم در دوران زناشویی که عضو جامعه درویش شدم دیدم، چون شفا گرفتن زیاد دیدم، دقیقاً منظورم معجزه‌س...، من خیلی زیاد و جدی خدا، دین اسلام و مذهب تشیع رو کاملاً با تمام مسائل اون قبول دارم. نمازهای یومیه به‌وقت و قرآن با معنی و دعای توسل رو در سحرگاه هر سپیده‌دم صبح می‌خونم و نمازهای مستحبی رو به‌جا می‌آرم. ماه رمضان یه

بار قرآن رو ختم می‌کنم با روزی یک جزء از اون و روزه‌هام رو می‌گیرم، در زمان‌های دیگه هم دعای جوشن کبیر، زیارت عاشورا و... رو به عربی می‌خونم. زندگی من به شدت دینی و مذهبی، به برزخ، دوزخ، بهشت، نزول وحی و ظهور منجی اعتقاد دارم. الانه از دارویش گنابادی هستم. به‌علاوه در مجالس خاصی شرکت میکنیم و کتاب‌های حلاج، جنید، رابعه، انسان کامل و... رو خوندم برای کسب معرفت. حتی چند همسری شوهرم رو براساس قرآن قبول دارم و مخالفتی ندارم، اما در عمل سخت هم هست. آدم معتقد نباید حق‌الناس به گردنش باشه، نباید دروغ بگه و حریم عفت رو پاره کنه؛ غیبت نکنه و نباید دل کسی رو بشکنه. حجاب متداول حکومتی رو قبول ندارم و بیرون از مجلس عرفانی نوع حجاب من اینجوریه و البته حجابمو تأیید نمی‌کنم. ولنگاری غرب رو برای خودمون قبول ندارم...، به‌طور کامل و صددرصد انرژی از وجود خدایی که اعتقاد دارم رو دریافت می‌کنم. به‌رغم ناملایمات اضطراب و استرس ندارم. پیش‌تر از این سال‌ها قبل بر اثر ناملایمات زندگی اقدام به خودکشی کردم که نجاتم دادن...

(۱۶) نیلوفر: از بچگی توسط پدر بزرگم که باسواد و آدم روشنی بود با دین و مذاهب شیعی (مادری شیعه) و پدری (مذهب سنی) آشنا شدم و ذهن من با آگاهی شکل می‌گرفت و همراه با زیاده‌روی و از نوع سنتی نبود. مخصوصاً در مدرسه این حس با نماز اجباری اصن خوب نبود. اردو نماز می‌خوندیم و اسممون رو تووی لیست انجام فرائض می‌نوشتن، شرطی شدن رو به‌همراه داشت...، مطالعات زیادی داشتم و قرآن و انجیل رو هم خوندم، قرآن تهدیدات زیادتری داره و انجیل ملایم‌تره و به‌علاوه چرا اونایی که دین دارن پیامبر به زبان دیگه‌ای رو باید قبول داشته باشن و به زبون دیگه عبادت کنن...، خدای من درون قلب خودمه و ازش انرژی می‌گیرم نه به خدای ماورایی. راجع به امامای شیعی و خلفای سنی اطلاعات مستندی ندارم و قبولشونم ندارم. اعتقادی به‌وجود برزخ، دوزخ، بهشت، قیامت، نزول وحی، ظهور منجی و... رو قبول ندارم. عبادت خاصی رو انجام ندادم و نمی‌دم. پایبند به اخلاقیات فردی و انسان‌مداری هستم، انسانیت برام خیلی مهمه...، من به داروین‌یستم، مدیتیشن یا مراقبه دارم...، آرامشم از درون خودم و داشتن خانواده خودم هست...

جدول ۴: انواع دین‌داری مشارکت‌کنندگان در این پژوهش

ردیف	برگزیده برخی اظهارات دینی مهم مشارکت‌کنندگان (جووانان با شناسنامه مسلمان شیعی در حکومت اسلامی)	دین‌داری /		
		دین‌داری /	سنخ‌شناسی دین‌داری	ترکیبی
۱	خدا درون آدماست، حس ظهور منجی آرامبخشه	دین‌دار	عاطفی	-
۲	تنها منبع آرامش خالق منه، دین پر از تناقضاته	دین‌دار	عاطفی	-
۳	خالق خدا کیه، انسانیت یعنی آزار نرساندن به دیگران	بی‌دین	-	-
۴	خدا منم، پای دین همانند یهودیان باید متعصبانه ایستاد	دین‌دار	عاطفی	-
۵	خدا منم، دین برای صاحبانش قدرت‌آوره و تولید ثروت می‌کنه	بی‌دین	-	-
۶	خدا منم، دین اسباب دکان‌داریه و سودرسانه برای صاحبانش	بی‌دین	-	-
۷	خدا موجودات فرازمینی‌ها هستند، دین هم اسباب معاش اربابانسه	بی‌دین	-	-
۸	خدا مایه ی آرامشه و دین و ایمان خیلی چیز جدی‌ای نیست	دین‌دار	عاطفی	-
۹	خدا مایه ی آرامش قلبیه و دین‌دار و مذهبی	دین‌دار	نزدیکتر به عاطفی	-
۱۰	کارما اساس زندگیه و رسیدن به آرامش براساس تفکر	بی‌دین	-	-
۱۱	انرژی رو از خدا می‌گیرم و دین رو صددرصد قبول ندارم	دین‌دار	عاطفی	-
۱۲	نمی‌دونم که خدا وجود داره و دین اسلام قرآنش همش تهدیده	دین‌دار	عاطفی	-
۱۳	شک دارم خدایی باشه یا نباشه و امور دین‌ومذهب فقط القائاته	دین‌دار	عاطفی	-
۱۴	به‌وجود خدا تردید ندارم؛ اما دین مطابق علم‌وعقل امروزی نیست	دین‌دار	عاطفی	-
۱۵	خدا همه چی منه، دین اسلام و مذهبیم اول و آخر همه چیه	دین‌دار	-	مناسکی- شریعت- مدارانه
۱۶	خدا درون خودمه، مدیتیشن برای آرامش و انرژی	دین‌دار	عاطفی	-

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بیشتر مصاحبه‌شوندگان مجرد، و تحصیلات دانشگاهی دارند و با توجه به وضعیت والدین‌شان، به نظر می‌رسد که آنان به طبقه‌ی متوسط و متوسط پایین تعلق دارند. همچنین به لحاظ شغلی دارای وضع متنوعی هستند. پی‌رنگ‌های زندگی دینی شانزده جوان رشتی نشان می‌دهد که یازده

نفر از آن‌ها به نحوی درگیری دینی داشته‌اند. از پنج نفر باقی مانده‌ف دو نفر خداناباور/آتئیست^۱ و سه تن در وجود خدا تردید جدی داشتند (ندانم‌گرا)^۲ بوده‌اند. از یازده جوان دین‌دار فقط دین‌داری یک نفر متمایل به دین‌داری ترکیبی از نوع مناسکی-شریعت‌مدارانه بوده است، و نه نفر نیز به نحو عاطفی دین‌دار بوده‌اند. وضعیت نفر چهارم جدول فوق (یعنی: پی‌رنگ چهارم) به طور دقیق قابل تشخیص نیست. نوعی تعلق عاطفی به عناصر دینی در وی دیده می‌شود؛ اما وضعیتی سیال نیز دارد.

داده‌ها چند نکته‌ی مهم را به دست می‌دهند:

- (۱) تمام مصاحبه‌شوندگان از فرهنگ دینی خانوادگی فاصله‌گرفته‌اند و از دین‌داری خانوادگی خاستگاهی به نحو قابل توجهی دور شده‌اند؛
- (۲) تمامی شانزده نفر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از الگوی دین‌داری رسمی که شریعت-مدارانه است و الگوی دین‌داری حوزوی که فقه شیعی در آن نقش اساسی دارد، نه تنها به نحو اساسی فاصله‌دارند؛ بلکه منتقد آن نیز هستند؛
- (۳) الگوی مسلط دین‌داری در میان جوانان تحت بررسی، دین‌داری عاطفی است؛
- (۴) تأثیرگذاری تجربه‌های زیسته و نظام‌های شناختی در دسترس این جوانان در شکل‌گیری مسیر حرکت دین‌داری آنان مشهود و مشخص است.

از همین‌رو، همان‌طور که چارچوب نظری ما را بدان رهنمون نموده بود، داده‌های پژوهش نیز نشان دادند که تأثیرگذاری تجربه‌های زیسته و نظام‌های شناختی در دسترس جوانان تحت بررسی، در شکل‌گیری مسیر حرکت دین‌داری آنان مشهود و مشخص است. پی‌رنگ‌های دین‌داری این جوانان نشان می‌دهند که همگی از فرهنگ دینی خانوادگی فاصله‌گرفته‌اند و از دین‌داری خانوادگی خاستگاهی به نحو قابل توجهی دور شده‌اند. به‌غیر از یک تن که ساحت بیرونی در دین‌داری وی پررنگ بوده (فردی از گروه دراویش)، همگی دین‌داران در این پژوهش مشمول مؤلفه‌های ساحت درونی دین‌داری بوده‌اند. این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که افراد دین‌دار در این پژوهش کیفی با نمونه‌های آماری محدود که درون نظام دینی/مذهبی به دنیا آمده بودند و در این نظام اجتماعی رشد و تحصیل (از ابتدایی و راهنمایی در مدرسه، دبیرستان و دانشگاه) کرده‌اند و تعدادی به خدمت سربازی نیز رفته‌اند، همگی دین‌داری را امری شخصی ساخته و فردی تلقی کرده‌اند و دین‌داری نهادی در میان آنان به نحو جدی رنگ باخته است. در میان سنخ‌های دین‌داری مطرح شده در سنخ‌شناسی دین‌داری این پژوهش، نوع دین‌داری عاطفی از

1- atheism

2- agnosticism

فراوانی بیشتری برخوردار بوده است. در عین حال، افراد بی‌دین شده (اعم از ندانم‌گرا و خداناباور) به «معنویت بدون دین^۱» و اخلاق بدون دین به‌طور جدی متمایل بوده‌اند. در عین حال، تناقضات ذهنی آنان به درجات و مراتب مختلف در داستان زندگی‌شان نمود داشته که نشان‌دهنده‌ی شکاف^۲ و عدم قطعیت‌های جدی در هویت فردی^۳ آنان است. نکته‌ی نهایی این‌که تمامی آنان از الگوی دین‌داری رسمی که شریعت‌مدارانه است و الگوی دین‌داری حوزوی که فقه شیعه در آن نقش اساسی و بنیادی دارد، نه تنها به نحو اساسی فاصله دارند، بلکه منتقد آن نیز هستند.

چنان‌که در چارچوب نظری، به نظریه‌ی هرویلوژ اشاره شده بود... «امروزه پافشاری بر هم‌نوابی اجباری با حقایق دینی (به ویژه برای جوانان) در مقایسه با اصالت شخصی سوژه‌ی معتقد، که در جست‌وجوی حقیقت خویش است، کم ارزش شده است» (هرویلوژ، ۱۳۸۰: ۲۹۳). از همین‌رو جوانان ایرانی نیز در حال حرکت در مسیرهای دینی خاص خود هستند که تجربه‌ها و شناخت شخصی آنان، با توجه به پی‌رنگ‌ها، به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی شکل‌دهی این مسیرها هستند.

منابع

- برگر، پیترو دو یگ؛ برگر، بریجت و کلنر، هانسفرید (۱۳۹۴). *ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی* (چاپ سوم). ترجمه‌ی محمد ساوجی. تهران: نشر نی.
- برهان، رضا؛ سرایی، حسن و سیفالله‌ی، سیف‌اله (۱۳۹۷). بررسی میزان دین‌داری سرپرستان خانوار طبقه‌ی متوسط شهری - مورد مطالعه شهر تهران. *دین و ارتباطات*. ۲۵(۲)، پیاپی ۵۴، ۶۹-۳۳.
- بُژ، دیوید ام. (۱۳۸۸). *تحلیل روایت و پیش‌روایت* (چاپ نخست). ترجمه‌ی حسن محدثی‌گیلوانی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی* (چاپ دهم). تهران: انتشارات سمت.
- ترنر، اس. برایان (۲۰۰۵). *مجموعه مصاحبه‌های دین و نظریه‌ی اجتماعی، دین هم‌گهواره و هم‌گور مدرنیته است* (چاپ نخست). ترجمه‌ی محمدرضا جلاتی‌پور. تهران: انتشارات کویر.

1- spirituality without religion
2- gap
3- individual identity or personal identity

- نوربخش، یونس و جعفری کافی‌آباد، صابر (۱۳۹۶). روایت پژوهی تجارب زیسته دینی دانشجویان. *دین و سیاست فرهنگی*، ۴(۲)، ۹۳-۱۲۶.
- روآ، اولیویه (۱۳۹۷). *جهل مقدس، زمان دین بدون فرهنگ* (چاپ چهارم). ترجمه ی عبدالله نصری طاهری و سمیه‌سادات طباطبایی. تهران: انتشارات مروارید.
- زاگرم، فیل (۱۳۸۴). *درآمدی به جامعه‌شناسی دین* (چاپ نخست). ترجمه ی خشایار دیهیمی. تهران: نشر لوح فکر.
- شارمه، آمریته (۱۳۸۵). *فرهنگ ادیان* (چاپ نخست). ترجمه ی فاطمه سمواتی. تهران: انتشارات مدحت.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*. ترجمه ی کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی* (چاپ نخست). ترجمه ی هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- فورشت، اینگر و رپستاد، پل (۱۳۹۴). *درآمدی به جامعه‌شناسی دین* (چاپ نخست). ترجمه ی مجید جعفریان. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- فیینی، جان. ام. (۱۳۸۰). نظریه ای در باب تعهد دینی. ترجمه ی افسانه توسلی. *فصلنامه ی پژوهش*، ۵(۲۰ و ۲۱)، ۲۸۵-۲۵۳.
- کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۴). *طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ی ترکیبی)* (چاپ دوم). مترجمین حسن دانایی‌فرد و علی صالحی. تهران: ناشر کتاب مهربان.
- گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام ل. و گروه همکاران (۱۳۸۴). *فرهنگ علوم/اجتماعی* (چاپ دوم). ترجمه ی محمدجواد زاهدی و گروه همکاران. تهران: انتشارات مازیار.
- محدثی‌گیلوانی، حسن (۱۳۹۹). مجموعه مقالات دو جلدی. مناسکی شدن و غیر شریعت‌مدارانه شدن دین‌داری: تحلیلی از نتایج تحقیقات ناظر به وضعیت دین‌داری ایرانیان. در *مجموعه مقالات فرهنگ و هنر پس از انقلاب اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (در دست چاپ).
- مرادی، رامین و خان‌محمدی، احسان (۱۳۹۹). بررسی وضعیت دین‌داری جوانان شهر سرپل‌ذهاب و برخی عوامل مرتبط با آن. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱(۱)، پیاپی (۷۷)، ۱۳۲-۱۰۹.
- هرویولژ، دانیل (۱۳۸۰). انتقال و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی-دینی در مدرنیته. ترجمه ی سیدمحمود نجاتی حسینی. *فصلنامه ی پژوهش*، ۵(۲۰ و ۲۱)، ۳۰۹-۲۸۵.

- Christiano, J. K. (2015). Trends in religiosity and religious affiliation, social institutions, religious institutions. In R. A. Scott & S. M. Kosslyn (Eds.), *Emerging trends in the social and behavioral sciences: an interdisciplinary, searchable, and linkable resource* (pp.1-14).
- Kwon, O. (2003). *Buddhist and Protestant Korean immigrants: Religious beliefs and socioeconomic aspects of life*. LFB Scholarly Publishing LLC.
- Laniel, J. F. (2016). What 'cultural religion' says about secularization and national identity: A neglected religio-political configuration. *Social Compass*, 63(3), 372-388.
- Wach, J. (1947). *Religion in the Struggle for Power: A Study in the Sociology of Religion*. London: Routledge.

Typology of Religiosity among the Youth of Rasht

Ali Tassaddi Kaari¹, Hassan Mohaddesi Gilvae² & Saeed Maadani³

Received: 13 Oct 2020

Accepted: 20 Jan 2021

Abstract

The present study deals with the typology of religiosity among a group of 21- to 36-year-old youth in Rasht. This qualitative study has been done using a narrative analysis of narrative interviews. The theoretical framework of the study was a combination of the views of sociologists of religion on the status of religiosity in the modern world. The sample included 16 individuals. The most important research results obtained are: 1. All interviewees have distanced themselves from the family's religious culture and significantly distanced themselves from the religiosity of the family of origin; 2. They are fundamentally distanced from and critique of the formal religiosity, which is Shariat-oriented, and also the theological religiosity, which is jurisprudential; 3. The predominant pattern of religiosity is emotional religiosity. 4. The influence of their lived experiences and available cognitive systems is evident in forming the path of their religiosity, which is also consistent with the views of theorists in the theoretical framework.

Keywords: Typology; religiosity; changes; the youth.

1- PhD Student Department of Sociology, Sciences and Research Branch, Azad University, Tehran, itasaddi@gmail.com

2- Assistant Professor of Sociology, Tehran Central Branch, Azad University, Tehran, (Corresponding Author), mohaddesi2011@gmail.com

3- Assistant Professor of Sociology, Tehran Central Branch, Azad University, Tehran, Maadani25@yahoo.com